



بازخوانی انتقادی نسبت به نسیان مقنن در جرم‌انگاری بارزترین اشکال کودک‌آزاری در رویکرد جدید قانونگذاری

برهان خاطری^۱

نسرین مهرا^۲

محمد علی مهدوی ثابت^۳

نوروز کارگری^۴

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۲/۰۴/۱۰ تاریخ پذیرش نهایی: ۱۴۰۲/۰۷/۲۹

چکیده

کودک‌آزاری رفتار و وضعیتی است که طی آن کودک، قربانی شکنجه و آزارهای جسمی، روحی، جنسی، عاطفی، بی‌توجهی و گاه‌آ ساختاری می‌گردد. سازمان بهداشت جهانی، موضوع کودک‌آزاری را در چهار حوزه، قابل توجه و بررسی می‌داند: کودک‌آزاری جسمی، کودک‌آزاری جنسی، کودک‌آزاری عاطفی و کودک‌آزاری ناشی از بی‌توجهی یا غفلت. در راستای اجرایی نمودن اسناد بین‌المللی و توجه به ندای سازمان‌ها و نهادهای حامی حقوق کودکان و در راستای ایجاد بازدارندگی در مقابل پدیده کودک‌آزاری، اولین قانون مبارزه با کودک‌آزاری در ایران، در سال ۱۳۸۱ تصویب شد. با محرز شدن نواقص قانون مذکور و با گذشت حدود دو دهه، این قانون مختصر در سال ۱۳۹۹ بطور کامل منسوخ و قانون جدید دیگری جایگزین آن شد. علیرغم آنکه قانونگذار ایران در سال ۱۳۸۱ به موجب قانون حمایت از کودکان و نوجوانان، به طور ویژه، کودک‌آزاری جسمی را در کنار کودک‌آزاری عاطفی و

^۱ دانشجوی دکتری حقوق کیفری و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق، الهیات و علوم سیاسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات، تهران، ایران

Email: borhan57law@yahoo.com

^۲ دانشیار گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران (نویسنده مسئول)

Email: docnas@mail.com

^۳ استادیار گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق، الهیات و علوم سیاسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات، تهران، ایران

Email: ali@mahdavi.fr

^۴ استادیار گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق، الهیات و علوم سیاسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات، تهران، ایران

Email: nouroozk@gmail.com

روانی، جرم‌انگاری و قابل مجازات دانسته بود، در اصلاحات اخیر، با وجود جبران برخی از کاستی‌های قانون سابق و پرداختن به موضوعاتی چون، کودک‌آزاری جنسی و کودک‌آزاری ناشی از غفلت؛ لکن به طور کلی بارزترین شکل کودک‌آزاری، یعنی «کودک‌آزاری جسمی» و «کودک‌آزاری روحی» را به طاق نسیان سپرد و این موضوع مهم، از مصادیق و دایره شمول جرم‌انگاری کودک‌آزاری، در قانون ایران، در کمال ناپاوری حذف و کاملاً از دید قانونگذار نادیده گرفته شد. لازمه رفع این نقصان، اصلاح مجدد قانون است.

کلید واژه‌ها

کودک‌آزاری، کودک‌آزاری جسمی، کودک‌آزاری روحی و روانی، قانون حمایت از اطفال و نوجوانان سال ۱۳۹۹.

مقدمه

کودکان آسیب‌پذیرترین قشر جامعه محسوب و به لحاظ شرایط خاص جسمی و روحی، بالقوه در معرض بزه دیدگی^۱ قرار دارند. مطابق گزارش‌های سالانه یونیسف،^۲ کودک‌آزاری^۳ یکی از بحران‌های اجتماعی جامعه امروز و از طرفی نیز جلوه گاه درجه رعایت حقوق بشر^۴ هر جامعه محسوب می‌شود. «با وجود آنکه بدرفتاری با کودکان سابقه طولانی دارد، این مفهوم که جامعه باید مسئول حمایت از کودکان از جمله؛ شناسایی، گزارش و رفتار با قربانیان و عاملان بدرفتاری باشد، یک تحول نسبتاً جدید است» (Jody Warner, 1999, p. 34). هرگونه رفتاری که به تمامیت جسمانی، روانی، رشد فردی و اجتماعی و شأن انسانی کودک لطمه‌ای را وارد آورد، از مصادیق کودک‌آزاری محسوب می‌شود. معیارهای متعددی برای شناسایی انواع کودک‌آزاری وجود دارد؛ آسیب‌های جسمانی، بر مبنای معیارهای پزشکی و آسیب‌های روانی، بر اساس معیارهای روانشناسی و روانپزشکی و آسیب‌های تربیتی، بر اساس معیارهای جامعه‌شناسی و علوم تربیتی و آسیب‌های وارده به حقوق و شأن انسانی، بر اساس معیارهای حقوق بشری، بررسی و اندازه‌گیری می‌شود. (ایروانیان و غیره ص ۵۵) اسناد و مقررات زیادی در سطح بین‌المللی و منطقه‌ای و در حقوق داخلی کشورها جهت مبارزه با کودک‌آزاری تدوین و تصویب شده‌اند. جلوه بروز توجه قانونگذار ایران به پدیده کودک‌آزاری، قانون حمایت از کودکان و نوجوانان سال ۱۳۸۱ بود. کانون توجه و خاستگاه شکل‌گیری اولیه این قانون، فشار رسانه و مطالبه مداخله‌گران اجتماعی و گروه‌های ویژه حامی کودکان و روانشناسان و مددکاران اجتماعی و افراد حساس به موضوع کودک‌آزاری

¹ victimization

² UNICEF: united nations childrens fund

³ child abuse

⁴ Human rights

بود. از طرفی، مصادیق کودک آزاری و گزارش مددکاران در این زمینه، به سرعت در رسانه‌ها منتشر و کانون توجه افراد جامعه قرار می‌گیرد و بیش از بزرگسالان موجب تاسف و تأثر افراد می‌گردد. اساساً بیگناهی، بی دفاعی و معصومیت و ضعف جسمی و روحی کودکان، منشاء اصلی تأثر خاطر سایر افراد جامعه، در آزار آنان است.

قانون حمایت از کودکان و نوجوانان در ۹ ماده در سال ۱۳۸۱ تصویب شد. این قانون، به اختصار، کودک آزاری جسمی و کودک‌آزاری عاطفی یا روانی را جرم انگاری و برای مرتکب آن، مجازات سه ماه و یک روز تا شش ماه حبس و یا جزای نقدی تا ده میلیون ریال تعیین نموده بود. مهمترین ضعف این قانون حمایتی، آن بود که، طی آن بحثی از «کودک آزاری جنسی» و یا «کودک آزاری به شکل سهل انگاری و غفلت» منجر به صدمات جسمی و روحی و اخلاقی به کودکان، به میان نیامده بود.

مطالبات اجتماعی و حقوقی در جامعه و نیز کمبودها و کاستی‌های قانون مذکور از منظر مددکاران و روانشناسان و البته در اثر مطالبات مکانیسم‌های اسناد حقوق بشری، قانونگذار را بر آن داشت که، قانون جامع تری در زمینه حمایت از کودکان و نوجوانان و علی‌الخصوص راجع به موضوع جرم نگاری انواع و اشکالات کودک آزاری، تصویب نماید. تدوین لایحه و بررسی پیشنهادات حمایت از کودکان و نوجوانان سالها به طول کشید بطوریکه، تدوین لایحه حمایت از کودکان و نوجوانان، با توجه به کاستی‌های قانون سابق، برای پوشش قانونی همه اشکال اعمال خشونت علیه کودکان، در سال ۱۳۸۶ در قوه قضاییه خاتمه یافت و لایحه در همان سال به دولت ارسال شد. دولت وقت با بیشتر از سه سال تأخیر، در سال ۱۳۹۰ لایحه را با اعمال تغییراتی به مجلس شورای اسلامی ارسال کرد و مجلس شورای اسلامی پس از ۹ سال، سرانجام به دنبال فشارهای اجتماعی، لایحه را با رفع چندین باره ایرادات شورای نگهبان، نهایتاً در تاریخ ۱۳/۰۳/۱۳۹۹ تحت عنوان "قانون حمایت از اطفال و نوجوانان" در ۵۱ ماده و ۱۵ تبصره، به تفصیل تصویب کرد. در این قانون به ظاهر جامع و مانع، در کنار سایر کاستی‌ها، آنچه بیش از همه ضعف و نقصان محسوب می‌شود، آن است که از دید قانونگذار، بارزترین شکل کودک‌آزاری، یعنی همان کودک آزاری جسمی و شکنجه بدنی و نیز کودک‌آزاری روحی و روانی و عاطفی، از قلم افتاده و مجازاتی برای این اشکال از کودک‌آزاری و آسیب به کودکان، تعیین نشده و این موضوع، تعجب و بهت جامعه حقوقی و قضایی را برانگیخته است.

تحقیقاتی که تاکنون از سوی پیشینیان پیرامون پدیده کودک‌آزاری صورت پذیرفته‌اند، عمدتاً راجع به علل و عوامل وقوع کودک‌آزاری و اشکال حدوث آن در میان خانواده، مهدکودک، مدرسه و سایر بخش‌های جامعه و معطوف به ارائه راهکارهای پیشگیرانه از کودک‌آزاری از منظر آموزشی و نظارت‌های همگانی است. تاکنون بررسی جامعی در خصوص شیوه ورود مقنن به مبحث کودک‌آزاری و هنر

قانونگذار در نحوه جرم‌انگاری^۱ جامع و مانع این پدیده صورت نپذیرفته و اگر هم مطلبی وجود دارد، ناتمام و بطور دقیق راهگشای قانونگذار در چگونگی برخورد با موضوع کودک‌آزاری نبوده و یا شیوه برخورد و ورود مقنن در این حوزه، بطور دقیق و جامع، نقد و شفاف‌سازی نشده است. تمایز این نوشتار با پیشینه تحقیقات در خصوص این موضوع در آن است که، بطور دقیق آنچه میبایست در حوزه ورود سیستم عدالت کیفری راجع به پدیده کودک‌آزاری مد نظر مقنن باشد تبیین و الزاماتی که مقنن کیفری میبایست در جهت ایجاد بازدارندگی و مهار پدیده کودک‌آزاری بکار گیرد بطور دقیق مشخص و نواقص و کاستی‌های قانون کیفری موجود تحلیل و راهکار مناسب ارائه گردیده است. در این مقاله پلان کار بدین صورت است که، به روش تحلیلی و بررسی میدانی، سعی شده است، به اختصار معنی کودک‌آزاری و اشکال و انواع کودک‌آزاری شناخته شده در اسناد حمایتی بین‌المللی و حقوق کیفری و قضایی را بررسی، و بعد بطور دقیق، شیوه برخورد مقنن با پدیده کودک‌آزاری در دو مرحله سابقه قانونگذاری را واکاوی، و جرم‌انگاری ناقص و حداقلی قانونگذار در رویکرد جدید راه، با پیشنهادات اصلاحی مطرح، و تبیین نماییم. بطور قطع پس از مطالعه این تحقیق محرز می‌گردد که قانونگذار، در اصلاحیه اخیر خود پیرامون مبحث کودک‌آزاری در "قانون حمایت از اطفال و نوجوانان"، ملاحظات واقع بینانه و جامع‌نگر نسبت به این پدیده را نداشته و قانون اصلاحی مذکور، خود مجدد نیازمند اصلاح فوری، می‌باشد.

مفهوم کودک‌آزاری

کودک‌آزاری از دو کلمه «کودک» و «آزار» تشکیل شده است. مطابق ماده یک کنوانسیون حقوق کودک، مصوب سال ۱۹۸۹ مجمع عمومی سازمان ملل متحد، منظور از «کودک» افراد انسانی زیر ۱۸ سال است (اعم از دختر و پسر). با اقتباس از این سند بین‌المللی، علیرغم عدم تطابق سایر قوانین کیفری کشور ما با آن، در یک نوآوری، در ماده ۲ قانون حمایت از اطفال و نوجوانان سال ۱۳۹۹، تمام افرادی که به سن ۱۸ سال تمام شمسی نرسیده‌اند، کودک یا نوجوان محسوب و مشمول حمایت‌های این قانون فرض شده‌اند. در سایر قوانین کیفری ماهوی در ایران، منظور از کودک، فرد غیر بالغ و یا طفل است و فرد بالغ و یا صغیر غیر رشید، کسی است که، سن وی بین ۱۵ تا ۱۸ سال بوده و در قوانین مجازات اسلامی و آیین دادرسی کیفری سال ۱۳۹۲، «نوجوان» نیز نامیده می‌شود.^۲

^۱ criminalization

^۲ مطابق بند الف و ب ماده یک قانون حمایت از اطفال و نوجوانان: طفل؛ هر فرد که به سن بلوغ شرعی نرسیده است و نوجوان؛ هر فرد زیر هجده سال کامل شمسی که به سن بلوغ شرعی رسیده است. و مطابق ماده یک کنوانسیون حقوق کودک: از نظر کنوانسیون حاضر، منظور از کودک افراد انسانی زیر ۱۸ سال است مگر این که طبق قانون قابل اجرا در مورد کودک سن بلوغ کمتر تشخیص داده شود.

منظور از «آزار» هرگونه ضرب و جرح و هرگونه شکنجه جسمی، روحی، عاطفی، اخلاقی، جنسی و یا سهل انگاری و بی‌مبالاتی و بی‌احتیاطی منجر به صدمات فوق به کودک و شخص زیر ۱۸ سال می‌باشد. «قانون دادگاه خانواده آمریکا، کودک آزاری را این گونه تعریف می‌کند: «شرایطی که موجب می‌شود، والدین یا سایر افرادی که به طور قانونی مسئولیت تأمین سلامت و رفاه یک کودک زیر ۱۸ سال برعهده دارند؛ یا خود اقدام به کودک آزاری کنند یا به دیگران اجازه دهند، وی را مورد آزار و اذیت قرار دهند». بر اساس تعریف مجله پزشکی قانونی کشور: «بدرفتاری و آزار کودکان عبارت است از؛ هر گونه بدرفتاری با کودکان یا افرادی که در سنین بلوغ به سر می‌برند. این بدرفتاری می‌تواند از طرف پدر یا مادر یا مخالفان کودک و کسانی که مسئول مراقبت از او هستند، صورت گیرد» (آبروشن، ۱۳۸۷، ص ۷۹). کودک آزاری در قوانین و مقررات و اسناد بین‌المللی اکیداً ممنوع و تصویب قوانین و منع آن به شکل جرم انگاری^۱ به کشورها توصیه و الزام شده است. آمار موارد و پرونده‌های کودک‌آزاری، یکی از معیارهای سنجش درجه رعایت حقوق بشر در یک کشور تلقی می‌شود.

ممنوعیت کودک آزاری در اسناد بین‌المللی

بدون شک، کودکان یکی از مخاطبین اصلی و موضوعات مورد بحث در اسناد بین‌المللی و خصوصاً اسناد حقوق بشری می‌باشند. در این زمینه تاکنون قوانین و مقررات بسیاری در سطح بین‌المللی و منطقه‌ای، در حمایت از حقوق کودکان و پیشگیری از بزهکاری و بزه دیدگی آنها و شیوه واکنش در مقابل هر یک از این پدیده‌ها تصویب و به جامعه جهانی پیشنهاد گردیده است. اسناد بین‌المللی و منطقه‌ای، با جرم‌انگاری رفتارهایی که به سلامت فردی و اجتماعی کودکان در ابعاد جسمی، روحی و روانی آسیب وارد می‌کند و یا آن‌ها را در معرض آسیب‌های جدی قرار می‌دهد، به حمایت کیفری ویژه از اطفال، در برابر مخرب‌ترین رفتارها دست زده است. (ایروانیا و... ص ۱۲۸، ۱۳۹۲) از جمله اسناد بین‌المللی که در مواد مختلف آن به حقوق کودکان و جلوگیری از کودک‌آزاری و جرم‌نگاری این پدیده اشاره شده، می‌توان، اعلامیه جهانی حقوق بشر ۱۹۴۸ (ماده ۲۵)، میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی ۱۹۶۶ (ماده ۳۴)، کنوانسیون حقوق کودک ۱۹۸۹ (به ویژه مواد ۳ و ۱۹ و ۳۲ و ۳۴ و ۳۶ و ۳۷)، را نام برد.^۲ علاوه بر اسناد بین‌المللی، در قوانین و

و مطابق ماده ۱۲۱۰ قانون مدنی: هیچکس را نمی‌توان بعد از رسیدن به سن بلوغ به عنوان جنون یا عدم رشد محجور نمود مگر آنکه عدم رشد یا جنون او ثابت شده باشد.

تبصره ۱ - سن بلوغ در پسر پانزده سال تمام و در دختر نه سال تمام قمری است.

و مطابق ماده ۱۴۶ قانون مجازات اسلامی: افراد نابالغ مسوولیت کیفری ندارند.

^۱ criminilization

^۲ همچنین می‌توان اسناد بین‌المللی دیگری همانند: اعلامیه جهانی حقوق کودک ۱۹۵۹، کنوانسیون‌های ژنو ۱۹۴۹، اعلامیه جهانی بقاء رشد و حمایت از کودکان ۱۹۹۰، رهنمودهای سازمان ملل متحد برای پیشگیری از بزهکاری نوجوانان معروف به

آیین‌نامه‌های مختلف داخلی نیز به ممنوعیت کودک‌آزاری و پیشگیری از آن پرداخته شده است. قانون اساسی و سایر قوانین حمایتی در زمینه کار و آموزش و رفاه کودکان و نیز قوانینی که در زمینه‌های بهزیستی و خانواده تصویب شده‌اند، همگی به شکلی از اشکال، به توجه و ارتقاء حقوق کودکان، پیشگیری از اشکال مختلف کودک‌آزاری، پرداخته‌اند. نمونه بارز اسناد داخلی و جدیدترین مصوبه در این زمینه "سند ملی حقوق کودک و نوجوان" مصوب سال ۱۴۰۰ شورای عالی انقلاب فرهنگی است.

کودک‌آزاری و خشونت جسمی و روحی، به اشکال مختلف علیه کودکان، به عمد یا غیر عمد، از جانب افراد خانواده و یا سایر افراد جامعه مانند، معلم و مربی و عمدتاً از سوی اشخاصی چون نامادری و ناپدري محقق می‌شود. گاهی کودک‌آزاری ناشی از ساختار نامناسب اجتماعی، بر کودک تحمیل می‌گردد. در ادامه اشکال مختلف کودک‌آزاری و رویکرد نوین قانونگذار ایران، در مورد هر کدام از آن را بررسی خواهیم نمود.

اشکال مختلف کودک‌آزاری و واکنش کیفری به آنها:

کودک‌آزاری جسمی

کودک‌آزاری جسمی^۱، کسی است که به شکل عمدی، مرتکب رفتاری می‌شود که، منجر به صدمه یا صدمات بدنی، اعم از نقص عضو و یا قطع عضو و یا نقص در منفعت اعضاء و یا حتی فوت کودک می‌گردد.

در تعریف بدرفتاری جسمی با کودک، اتفاق نظر وجود ندارد و تعاریف گوناگونی را عنوان کرده‌اند. بطور خلاصه می‌توان گفت که کودک‌آزاری جسمی، هر گونه خشونت است که به قصد آزار جسمی به کودک اعمال یا به این نیت تلقی شود، خواه منجر به ایجاد جرح و صدمه‌ایی در بدن کودک گردد، و خواه هیچ اثری باقی نگذارد.^۲

رهنمود ریاض ۱۹۹۰، راهنمای عمل درباره کودکان در نظام عدالت جزایی معروف به اعلامیه وین ۱۹۹۳، حداقل مقررات استاندارد سازمان ملل متحد برای مدیریت دادرسی ویژه نوجوانان معروف به سند پکن ۱۹۸۵، مقررات سازمان ملل برای حمایت از نوجوانان محروم از آزادی معروف به مقررات هاوانا ۱۹۹۰، رهنمودهای دبیرکل سازمان ملل متحد در موضوع عدالت برای کودکان ۲۰۰۸، کنوانسیون اروپایی حمایت از حقوق بشر و آزادی‌های اساسی ۱۹۵۰، کنوانسیون آمریکایی حقوق بشر ۱۹۶۹، اعلامیه اسلامی حقوق بشر یا بیانیه قاهره ۱۹۸۱، منشور آفریقایی حقوق بشر و ملت‌ها ۱۹۸۱، منشور حقوق اساسی اتحادیه اروپا ۲۰۰۰، را نام برد.

^۱ physical child abuse

^۲ مطابق ماده ۵۶۷ قانون مجازات اسلامی: در مواردی که رفتار مرتکب، نه موجب آسیب و عیبی در بدن گردد و نه اثری از خود در بدن برجای بگذارد ضمان منتفی است، لکن در موارد عمدی، در صورت عدم تصالح، مرتکب به حبس یا شلاق تعزیری درجه هفت، محکوم می‌شود.

انواع صدمات به انسان در قانون مجازات اسلامی همراه با میزان دیه و ارش آنها، عموماً بدون لحاظ سن افراد معین شده است. از ماده ۲۸۹ این قانون تا ماده ۷۲۸ آن که در سال ۱۳۹۲ اصلاح شده، به انواع رفتارهای مستوجب قصاص یا دیه و یا حبس تعزیری، پرداخته است. به موجب ماده ۲۸۹ قانون مذکور، هرگونه صدمه منجر به فوت و یا مادون آن، اعم از آنکه عمدی یا غیر عمدی یا خطای محض باشد، در زمره «جنایت» قرار گرفته است. در صورتی که در قتل عمدی، قاتل به هر دلیل قصاص نشود، مطابق ماده ۶۱۲ قانون تعزیرات سال ۱۳۷۵، دادگاه می‌تواند برای مرتکب، مجازات حبس سه تا ده سال را تعیین نماید و در خصوص سایر صدمات عمدی، دادگاه می‌تواند مطابق ماده ۶۱۴ این قانون، که در سال ۱۳۹۹ اصلاح شده، مجازات حبس شش ماه تا دو سال (حبس درجه شش) را مقرر نماید.^۱

آزار جسمی کودک طیف وسیعی دارد. کتک زدن، نیشگون گرفتن، تکان‌های شدید به کودک، سیلی زدن، داغ کردن، گاز گرفتن و غیره، همگی از عواملی است که گاهی از موارد حتی، منجر به فوت کودک می‌گردد. گاهی آثار شکنجه تا ابد بر بدن کودک باقی خواهد ماند. ممکن است نوزادی که زیاد گریه می‌کند، بر اثر تکان‌های شدیدی که مادر یا پرستار به او وارد می‌کند، جان بسپارد.

در قانون ما، اقدامات والدین برای تنبیه و ادب نمودن فرزند خود در حد متعارف، کودک‌آزاری محسوب نمی‌شود. مطابق بند ت ماده ۱۵۸ قانون مجازات اسلامی سال ۱۳۹۲، اقدامات والدین و اولیای قانونی و سرپرستان صغار و مجانبین که به منظور تأدیب یا حفاظت آنها انجام می‌شود، مشروط بر اینکه اقدامات مذکور در حد متعارف و حدود شرعی تأدیب و محافظت باشد، جرم محسوب نمی‌شود. در ماده ۱۱۷۹ قانون مدنی نیز قید شده که: «ابوین حق تنبیه طفل خود را دارند ولی، به استناد این حق نمی‌توانند طفل خود را خارج از حدود، تأدیب نمایند». در خصوص حد و حدود متعارف تأدیب، اختلاف نظر زیاد است و حتی به نسبت عرف محل و خانواده‌ها متفاوت است. «دلیل این امر را باید در این دانست که، هیچ معیار بین‌المللی برای تربیت کودک وجود ندارد» (تاج زمان، ۱۳۷۸ ص ۱۹). به این ترتیب، سیلی زدن به صورت یا روی دست یا عصبانیت، اگر چه بدرفتاری جسمی است، در مواردی که این میزان تنبیه، از سوی والدین یا سرپرست کودک باشد، قانونی و از نظر اجتماعی پذیرفته شده است.

کودک‌آزاری جسمی تا سال ۱۳۸۱ وارد قوانین کیفری ایران نشده بود و تا این سال، هرگونه کودک‌آزاری جسمی و شکنجه نسبت به کودکان، واکنشی همانند جرایم ارتكابی بزرگسالان در پی داشت. در سال ۱۳۸۱ با تصویب قانون حمایت از کودکان و نوجوانان در نه ماده، کودک‌آزاری جسمی در کنار کودک‌آزاری روحی و

^۱ مطابق ماده ۶۱۴ قانون مجازات اسلامی (اصلاحی ۱۳۹۹): هر کس عمداً به دیگری جرح یا ضربی وارد آورد که، موجب نقصان یا شکستن یا از کار افتادن عضوی از اعضاء یا منتهی به مرض دائمی یا فقدان یا نقص یکی از حواس یا منافع یا زوال عقل مجنی‌علیه گردد در مواردی که قصاص امکان نداشته باشد، چنانچه اقدام وی موجب اخلال در نظم و صیانت و امنیت جامعه یا بیم تجری مرتکب یا دیگران گردد، به شش ماه تا دو سال حبس محکوم خواهد شد و در صورت درخواست مجنی‌علیه، مرتکب به پرداخت دیه نیز محکوم می‌شود.

روانی جرم‌انگاری شد. به موجب ماده ۲ این قانون، هرگونه صدمه و اذیت و آزار و شکنجه جسمی و روحی کودکان و نادیده‌گرفتن عمدی سلامت و بهداشت روانی و جسمی و ممانعت از تحصیل آنان ممنوع و مرتکب به سه ماه و یک روز تا شش ماه حبس و یا تا ده میلیون ریال جزای نقدی محکوم می‌گردید. البته این میزان مجازات تعیین شده نیز با اعمال قاعده تعدد معنوی جرم و اعمال مجازات اشد، عملاً باعث شده بود تا دادگاه‌ها همان مجازات مقرر برای جنبه عمومی صدمات را که در قانون تعزیرات سال ۱۳۷۵ مقرر شده بود، اعمال و با توجه به اندک بودن مجازات تعیین شده در قانون حمایت از کودکان، نوبت به اجرای این قانون عملاً نمی‌رسید و شاید بتوان گفت که قانون مذکور، متروک مانده بود.

با تصویب قانون حمایت از اطفال و نوجوانان در سال ۱۳۹۹ و به موجب بند یک ماده ۵۱ قانون مذکور، به صراحت، قانون حمایت از کودکان و نوجوانان سال ۱۳۸۱ ملغی گردید. در بررسی قانون جدیدالتصویب ملاحظه می‌شود که به موجب بند «ت» از ماده یک این قانون، کلمه «سوءرفتار» به این شکل تعریف شده است:

«هرگونه فعل یا ترک فعل عمدی که سلامت جسمی، روانی، اخلاقی یا اجتماعی طفل و نوجوان را در معرض خطر و آسیب قراردهد؛ از قبیل ضرب و جرح، محبوس کردن، سوءاستفاده جنسی، توهین یا تهدید نسبت به طفل یا نوجوان، در صورتی که جنبه تأدیبی نداشته باشد، یا قراردادن او در شرایط سخت و غیرمتعارف و یا خودداری از کمک به وی».

علی‌رغم تعریف سوء رفتار در ماده یک این قانون؛ در جایی که قانونگذار از ماده ۷ الی ماده ۲۷ این قانون و در فصل سوم که جرائم و مجازات‌ها را برشمرده است، نه تنها کاستی و ضعف مجازات قانون سابق جبران نشد بلکه قانون جدید، هیچ سخنی از کودک‌آزاری جسمی و روحی به میان نیاورده و این موضوع بسیار مهم را به کل فراموش نموده است و فقط در مواد ۹ و ۱۰ این قانون، موضوع کودک‌آزاری جنسی و کودک‌آزاری ناشی از غفلت و بی‌توجهی و سهل‌انگاری را، در کنار سایر جرایم ارتكابی علیه اطفال و نوجوانان، بیان نموده است.

درخصوص این ضعف آشکار قانون نویسی، یک احتمال آن است که بگوییم، قانونگذار فرض نموده که همچنان قانون حمایت از کودکان و نوجوانان سال ۱۳۸۱ پابرجاست و نیازی به بیان مجدد کودک‌آزاری جسمی و روحی نیست، لکن همان طور که ذکر شد قانونگذار، قانون سابق را به صراحت نسخ نموده است و در واقع هم اکنون در هیچ یک از قوانین کشور ما، موضوع بسیار پر اهمیت و حساس کودک‌آزاری جسمی و کودک‌آزاری روحی و روانی، فاقد ماده مشخص جرم‌انگاری بوده و هیچگونه مجازاتی جداگانه برای آن تعیین نشده است و توسط قانونگذار این موضوع پر اهمیت به طاق نسیان سپرده شده است! در این شرایط چاره‌ای جز رجوع به شرایط قبل از قانون سال ۱۳۸۱ نیست و دادگاه‌ها باید جرایم این چنینی را بدون هیچ تفاوتی با جرایم جسمی و روحی علیه بزرگسالان، پاسخ کیفری دهند. در این حالت همانطور که ذکر شد باید به استناد ماده ۶۱۴ قانون تعزیرات سال ۱۳۷۵ حکم داد و اگرچه

شکنجه به طور کلی در قانون اساسی منع شده است^۱ لکن تنها ماده موضوع جرم‌نگاری جرم شکنجه، ماده ۵۷۸ قانون تعزیرات است که ارتباطی به موضوع کودک آزاری ندارد.

در قوانین سایر کشورهای مترقی و از جمله در قانون جزای فرانسه، در ذیل عمومات جرایم و در همان قوانین جزایی، قید شده که، چنانچه مجنی علیه یا قربانی، کودک یا انسان ناتوان یا دارای کهولت سن باشد، مجازات تا حد و درجه مشخصی تشدید می‌گردد. مثل آنچه که در ماده ۳۵ قانون مبارزه با مواد مخدر سال ۱۳۸۹ مقرر شده است.^۲

کودک آزاری عاطفی یا روحی - روانی

سوء استفاده عاطفی، که گاهی اوقات سوء استفاده روانشناختی نیز نامیده می‌شود، الگویی از رفتار است که، به احساس ارزش در کودک آسیب می‌رساند و بر رشد عاطفی او تأثیر منفی می‌گذارد. زمانی که کودک را تهدید، تحقیر و کوچک کنید، شرایط روحی برای کودک سخت می‌شود. در کودک آزاری روحی^۳، همچنین ممکن است کودک را طرد کنند، نامش را درگیر کرده و به او توهین کنند. هر نوع شکنجه روحی، تهدید به ضررهای جسمی، اهانت، تحقیر، سرزنش، جیغ و داد، فریاد زدن، طعنه و ریشخند، گرسنه نگهداشتن، در معرض خطر شدید و قریب الوقوع قرار دادن،^۴ از مصادیق کودک آزاری روانی و عاطفی محسوب می‌شوند.

^۱ مطابق اصل ۲۸ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران: هرگونه شکنجه برای گرفتن اقرار و یا کسب اطلاع ممنوع است. اجبار شخص به شهادت، اقرار یا سوگند، مجاز نیست و چنین شهادت و اقرار و سوگندی فاقد ارزش و اعتبار است. متخلف از این اصل طبق قانون مجازات می‌شود.

و طبق ماده ۵۷۸ قانون مجازات اسلامی: هر یک از مستخدمین و مامورین قضائی یا غیر قضائی دولتی برای اینکه متهمی را مجبور به اقرار کند او را اذیت و آزار بدنی نماید علاوه بر قصاص یا پرداخت دیه حسب مورد به حبس از شش ماه تا سه سال محکوم می‌گردد و چنانچه کسی در این خصوص دستور داده باشد فقط دستوردهنده به مجازات حبس مذکور محکوم خواهد شد و اگر متهم به واسطه اذیت و آزار فوت کند، مباشر مجازات قاتل و آمر مجازات آمر قتل را خواهد داشت.

^۲ مطابق ماده ۳۵ قانون اصلاح قانون مبارزه با مواد مخدر و الحاق موادی به آن: هرکس اطفال و نوجوانان کمتر از هجده سال تمام هجری شمسی و افراد محجور عقلی را به هر نحو به مصرف و یا به ارتکاب هر یک از جرائم موضوع این قانون وادار کند و یا دیگری را به هر طریق مجبور به مصرف مواد مخدر یا روان‌گردان نماید و یا مواد مذکور را جبراً به وی تزریق و یا از طریق دیگری وارد بدن وی نماید به یک و نیم برابر حداکثر مجازات قانونی همان جرم و در مورد حبس ابد به اعدام و مصادره اموال ناشی از ارتکاب این جرم محکوم می‌شود. در صورت سایر جهات از جمله ترغیب، مرتکب به مجازات مباشر جرم محکوم می‌شود.

^۳ emotional child abuse

^۴ مطابق بند «ذ» ماده یک قانون حمایت از اطفال و نوجوانان ۱۳۹۹: خطر شدید و قریب‌الوقوع، وضعیتی است که، حیات یا سلامت جسمی یا روانی طفل و نوجوان به شدت تهدید و در معرض آسیب قرار گیرد، به‌نحوی که مداخله فوری و چاره‌جویی را ایجاب نماید.

فشار بیش از حد به کودک برای دستیابی به انتظارات بسیار بالا، تشویق و یا آموزش رفتارهای ناسالم و نادرست، در معرض خشونت‌های خانگی، مشاجره و دعوای خانوادگی قرار دادن کودک نیز، از مصادیق دیگر کودک‌آزاری عاطفی محسوب می‌شوند. همچنین سوءاستفاده عاطفی به مواردی چون، سرزنش کردن، سرکوب کردن، فرق گذاشتن بین کودکان از طرف مراقبان نیز، اطلاق می‌شود. سوءاستفاده عاطفی به صورت بدرفتاری کلامی، بی‌توجهی عاطفی و ایجاد ترس و وحشت در کودکان و بدرفتاری روانی یا کلامی شامل هر نوع برخوردی با کودک یا نوجوان است که به او احساس بی‌ارزشی، دوست‌نداشتنی، ناخواسته، خطرناک، بد و ناقص بودن راه انتقال دهد.

در خصوص وضعیت جرم‌انگاری کودک‌آزاری روحی و عاطفی، همانطور که ذکر شد، این نوع از مصادیق کودک‌آزاری نیز، در قانون جدید حمایت از اطفال و نوجوانان سال ۱۳۹۹ مهمل گذاشته شد و همانند کودک‌آزاری جسمی، مورد بی‌توجهی و غفلت قانونگذار قرار گرفت، بطوریکه هم اکنون در هیچیک از قوانین کشور ما، کودک‌آزاری روحی، در لیست عناوین مجرمانه قرار نمی‌گیرد. این در حالی است که شایسته بود، برای هر دو نوع کودک‌آزاری جسمی و کودک‌آزاری روحی، مجازاتی فراتر از مجازات تعیین شده برای سایر صور کودک‌آزاری و نیز مجازات مقرر شده برای حمایت از افراد بزرگسال، مقرر می‌شد.

کودک‌آزاری جنسی

هرگونه آزار جنسی و درگیر کردن کودک در فعالیتی مانند لمس، بوسیدن، وادار کردن کودک به روابط با بزرگسال یا همسالان خود، اجبار به برهنه شدن، عکس گرفتن از بدن کودک و غیره که باعث ارضای فرد بزرگسال شود، یا در جهت آن باشد، کودک‌آزاری جنسی^۱ است. این نوع کودک‌آزاری، با اوج گرفتن اینترنت و دسترسی آسان به شبکه‌های مجازی اجتماعی، روزه روز، در حال افزایش است (American Academy of Pediatrics, 2019, p. 29). کودک‌آزاری جنسی در قانون سال ۱۳۸۱ جرم‌انگاری نشده بود، لکن در یک نوآوری در سال ۱۳۹۹، به موجب ماده ۱۰ قانون حمایت از اطفال و نوجوانان مقرر شد که: «هرکس نسبت به طفل یا نوجوان، مرتکب آزار یا سوء استفاده جنسی شود، در صورتی که مشمول مجازات حد نباشد،^۲ با در نظر گرفتن شرایطی مانند وضعیت بزه دیده، شرایط مرتکب و آثار جرم، به ترتیب زیر مجازات می‌شود:

^۱ sexual child abuse

^۲ اگر جرم به میزان زنا یا لواط یا تجاوز به عنف محقق شود، در این موارد مجازات‌های فصل حدود از قانون مجازات اسلامی اعمال می‌گردد. به عنوان مثال به موجب ماده ۲۲۴ این قانون، مجازات زنا به عنف اعدام است. و طبق تبصره ۲ این ماده، زنا با دختر نابالغ در حکم زنا به عنف و دارای مجازات اعدام است. لازم به ذکر است که در مواردی که جرم زنا به عنف و زور باشد، مطابق ماده ۲۳۱ قانون مجازات اسلامی و نیز ماده ۷ قانون نحوه مجازات اشخاصی که در امور سمعی و بصری

۱- آزار جنسی تماسی توسط محارم یا با عنف، به مجازات حبس درجه پنج قانون مجازات اسلامی^۱

۲- سایر آزارهای جنسی تماسی، به مجازات حبس درجه شش قانون مجازات اسلامی؛ ۳- آزار جنسی غیر تماسی توسط محارم یا با عنف، به یکی از مجازات‌های درجه هفت قانون مجازات اسلامی؛ ۴- سایر آزارهای جنسی غیر تماسی، به یکی از مجازات‌های درجه هشت قانون مجازات اسلامی؛ ۵- بهره‌کشی جنسی از طفل و نوجوان از طریق عرضه، در اختیار گرفتن، وادار یا اجبر کردن برای هرزه نگاری یا سوءاستفاده جنسی، به مجازات حبس درجه پنج قانون مجازات اسلامی؛ ۶- در دسترس قراردادن یا ارائه محتوا یا اثر مستهجن یا مبتذل به طفل یا نوجوان، به یک یا چند مجازات درجه هشت قانون مجازات اسلامی؛ ۷- استفاده از طفل و نوجوان برای تهیه، تولید، توزیع، تکثیر، نمایش، فروش و نگهداری آثار سمعی و بصری مستهجن یا مبتذل، حسب مورد به میانگین حداقل و حداکثر، تا حداکثر مجازات مقرر در قانون مربوط؛ ۸- واردات، صادرات، تکثیر، انتشار، عرضه، معامله یا بارگذاری محتوا یا اثر مستهجن یا مبتذل، که در آنها از اطفال و نوجوانان بهره‌گیری شده و یا حمل و نگهداری آنها، به یکی از مجازات‌های درجه شش قانون مجازات اسلامی؛ ۹- برقراری ارتباط با طفل و نوجوان در فضای مجازی به منظور هرگونه آزار جنسی یا ارتباط جنسی نامشروع، به یکی از مجازات‌های درجه شش قانون مجازات اسلامی».

بدین ترتیب در قانون جدید، تمامی حالات و وضعیت‌های کودک‌آزاری جنسی که دارای مجازات تعزیری می‌باشد، مقرر و همچنین سایر فعالیت‌های سمعی و بصری که مبتنی بر یک نوع سوء استفاده جنسی از شخص زیر ۱۸ سال با موضوعات مبتذل و مستهجن باشد، جرم انگاری و یا قوانین قبلی در این زمینه تکمیل و منسجم‌تر، گردید.

کودک‌آزاری ناشی غفلت و سهل انگاری

هر عملی که به‌طور غیر عمدی و همراه با تقصیر، موجب آسیب جسمی یا روحی و سایر صور کودک‌آزاری گردد، به‌گونه‌ای که سلامت و بهزیستی جسمانی و روان‌شناختی کودک، آسیب‌دیده یا به

فعالیت‌های غیر مجاز می‌نمایند، مرتکب علاوه بر مجازات جرم حدی، به پرداخت ارش البکاره و مهرالمثل نیز محکوم می‌شود و مطابق تبصره ۲ ماده ۲۲۱ همین قانون، هرگاه کسی با نابالغ، مرتکب زنا شود، نابالغ مجازات نمی‌شود و مجازات مختص فرد بزرگسال است. در موضوع حد قوادی نیز مطابق ماده ۲۴۴ قانون مجازات اسلامی، اگر کسی دو یا چند نابالغ را برای زنا یا لواط به هم برساند، مستوجب حد نیست لکن به ۳۱ تا ۷۴ ضربه شلاق و حبس تعزیری درجه ۶ (۶ ماه تا ۲ سال) محکوم می‌شود.^۱ رجوع شود به ماده ۱۹ قانون مجازات اسلامی.

^۲ مطابق تبصره ۳ بند ب ماده ۳ قانون نحوه مجازات اشخاصی که در امور سمعی و بصری فعالیت‌های غیر مجاز می‌نمایند مصوب سال ۱۳۸۶، استفاده از صغار برای نگهداری، نمایش، فروش و تکثیر نوارها و لوح‌های فشرده غیر مجاز موضوع این قانون، موجب اعمال حداکثر مجازات‌های مقرر برای عامل خواهد بود.

خطر افتد، کودک آزاری ناشی از غفلت تلقی می‌گردد.^۱ در کودک آزاری به شکل غفلت و بی‌توجهی،^۲ والدین یا مراقبان کودک در واقع به وظیفه خود عمل نمی‌کنند و مقصر هستند. در تعریف تقصیر، در تبصره ماده ۱۴۵ قانون مجازات اسلامی آمده که «تقصیر اعم از بی احتیاطی و بی‌مبالاتی است. مسامحه، غفلت، عدم مهارت و عدم رعایت نظامات دولتی و مانند آنها، حسب مورد، از مصادیق بی احتیاطی یا بی‌مبالاتی محسوب می‌شود». غفلت و بی‌توجهی، مصادیق فراوانی را شامل می‌شود. بی‌توجهی به نیازهای اساسی کودکان، عدم رسیدگی به خواسته‌های به حق آنان، بی‌توجهی به تعلیم و تربیت و پرورش کودکان، رها کردن آنان در جامعه و بی مسئولیتی والدین نسبت به نحوه گذران اوقات فراغت کودکان، از اشکال گوناگون غفلت و بی‌توجهی هستند.^۳

بی‌توجهی جسمی، مثل ناتوانی در فراهم کردن غذا، پوشاک یا خودداری یا تأخیر در تأمین مراقبت‌های بهداشتی کافی برای کودک می‌باشد. بی‌توجهی به سلامت و امنیت کودک؛ از قبیل بی‌توجهی به خطرات احتمالی در خانه، تنها گذاشتن کودک در خانه بدون مراقب، رانندگی بی‌مُحبا در حالی که کودک در داخل ماشین است، بی‌توجهی به آغاز تحصیل و ادامه تحصیل کودک در مدرسه و اجازه دادن یا بهانه‌تراشی برای غیبت‌های کودک از مدرسه و عدم پیگیری دسترسی به خدمات لازم برای نیازهای تحصیلی ویژه کودک و همچنین بی‌توجهی عاطفی و محبت ناکافی به کودک، قرار دادن کودک در معرض مشاجرات زناشویی، اجازه دادن به کودک برای استفاده از مشروبات الکلی یا دخانیات یا مواد افیونی، عدم‌مداخله در رفتارهای ضداجتماعی کودک، کوتاهی در فراهم آوردن حمایت‌های روان‌شناختی لازم، از مصادیق دیگر کودک آزاری ناشی از سهل‌انگاری و غفلت، محسوب می‌شوند.

به موجب ماده ۹ قانون حمایت از اطفال و نوجوانان سال ۱۳۹۹، «هرگاه در اثر بی‌توجهی و سهل‌انگاری اشخاص غیر از والدین، نسبت به اطفال و نوجوانان نتایج زیر واقع شود، مقصر علاوه بر پرداخت دیه، به شرح زیر مجازات می‌شود:

الف) فوت طفل یا نوجوان حسب مورد به مجازات حبس درجه پنج قانون مجازات اسلامی؛ ب) فقدان یکی از حواس یا منافع، قطع، نقص یا از کارافتادگی عضو، زوال عقل یا بروز بیماری صعب‌العلاج

^۱ Neglect is the failure to provide for the development of the child in all spheres: health, education, emotional development, nutrition, shelter, and safe living conditions, in the context of resources reasonably available to the family or caretakers and causes or has a high probability of causing harm to the child's health or physical, mental, spiritual, moral or social development. This includes the failure to properly to supervise and protect children from harm. (Patthi and etc, 2117, p63 from: WHO, 1999).

^۲ neglect

^۳ مطابق بند «پ» ماده یک قانون حمایت از اطفال و نوجوانان ۱۳۹۹: بی‌توجهی و سهل‌انگاری یعنی؛ کوتاهی در انجام تکالیفی از قبیل تأمین نیازهای اساسی و ضروری طفل و نوجوان یا وظایف مربوط به حضانت، ولایت، قیمومت، وصایت، سرپرستی، تربیت، نظارت یا مراقبت از آنان توسط والدین، اولیاء یا سرپرست قانونی یا هر شخصی که مکلف به آن است.

یا دائمی جسمی یا روانی و یا ایراد جراحت از نوع جائفه^۱ یا بالاتر، حسب مورد به مجازات حبس درجه شش قانون مجازات اسلامی؛ (پ) نقصان یکی از حواس یا منافع، شکستگی استخوان یا دیگر اعضاء و یا بروز بیماری روانی، به مجازات حبس درجه هفت قانون مجازات اسلامی؛ (ت) جراحت سر و صورت و یا گردن در صورت عدم شمول هر یک از بندهای (ب) و (پ) به مجازات حبس درجه هشت قانون مجازات اسلامی؛ (ش) آزار جنسی ناشی از بی توجهی و سهل انگاری شدید و مستمر حسب مورد به یکی از مجازات‌های درجه هشت قانون مجازات اسلامی؛ تبصره - هرگاه بی‌توجهی و سهل‌انگاری والدین منجر به نتایج موضوع این ماده شود؛ حسب مورد به مجازات تا حداقل مندرج در بندهای فوق محکوم می‌شوند، در خصوص بند «ت» این ماده در صورتی والدین مشمول حکم این تبصره می‌شوند که، اقدامات لازم برای جلوگیری از صدمه را انجام نداده باشند و صدمه مستند به آنها باشد».

بدین ترتیب قانونگذار برای اولین بار، با تفکیک بین اقدامات والدین با غیر والدین، کودک آزاری ناشی از بی توجهی و سهل انگاری را، جرم انگاری نمود؛ این در حالی است که این وضعیت نسبت به بزرگسالان غالباً به جز دیه، فاقد مجازات کیفری دیگری است.

کودک آزاری ساختاری

در سال‌های اخیر به نوعی از کودک‌آزاری توجه شده که با سایر انواع کودک‌آزاری تفاوت دارد و تحت عنوان «کودک‌آزاری ساختاری» شناخته می‌شود. این نوع کودک‌آزاری، به نبود ساختارهای مناسب اجتماعی و اقتصادی برای پیشگیری از پدیده کودک‌آزاری اشاره می‌کند. مهمترین ویژگی کودک‌آزاری ساختاری آن است که، بر خلاف سایر انواع کودک‌آزاری، کودک توسط فرد یا افرادی، مورد آزار قرار نمی‌گیرد بلکه، آسیبی که به کودک وارد می‌شود از ساختارهای اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و سیاسی جامعه، ناشی می‌شود. نمونه‌های این نوع کودک‌آزاری را می‌توان در حوزه اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی مورد بررسی قرار داد.

در حوزه اجتماعی و فرهنگی می‌توان از آزارهایی که از نظام آموزشی مانند رقابت، آموزش مبتنی بر حافظه، نمره‌گرایی، فضای نامناسب آموزشی، کمبود مدرسه، تعداد زیاد دانش‌آموزان در هر کلاس، آموزش در نوبت بعد از ظهر که با خستگی دانش‌آموزان همراه است، نام برد. دادن تکالیف درسی زیاد به کودکان نیز مانع استراحت و خواب کافی آنها می‌شود. تبعیض و به ویژه تبعیض جنسیتی که جنبه فردی

^۱ مطابق ماده ۷۱۱ قانون مجازات اسلامی: جائفه جراحتی است که با وارد کردن هر نوع وسیله و از هر جهت به درون بدن انسان اعم از شکم، سینه، پشت و پهلو ایجاد می‌شود و موجب یک سوم دیه کامل است. در صورتی که وسیله مزبور از یک طرف وارد و از طرف دیگر خارج گردد، دو جراحت جائفه محسوب می‌شود.

ندارد و به فرهنگ تبدیل شده است و آزار کودکان متولد از روابط نامشروع^۱ نمونه دیگری از کودک‌آزاری ساختاری در حوزه اجتماعی و فرهنگی است. کودک‌آزاری ناشی از فقر و یا کودک‌آزاری ناشی از آداب و رسوم مذهبی و یا رسوم فرهنگی غلط و یا نظام سیاسی و ضعف قوانین حکومتی و یا زندگی کودکان در کشورها و سرزمین‌های همیشه در حال جنگ، نمونه‌های دیگری از کودک‌آزاری ساختاری، می‌باشند.

بهره‌کشی اقتصادی یا استثمار تجاری هم یک نوع کودک‌آزاری محسوب می‌شود. در حوزه اقتصادی، بکارگیری کودکان زیر سن قانونی کار، نمونه بارز کودک‌آزاری ساختاری است. کار کودک از این نظر آزار محسوب می‌شود که، مانع دستیابی او به حقوق اساسی وی از جمله آموزش، بهداشت، سلامت، بازی و شادی است. در واقع، کار اجباری کودک از سوی پدر و مادر صورت نمی‌گیرد بلکه، شرایط نامناسب اقتصادی جامعه که محصول ساختار اقتصادی است، کار اجباری را به وی تحمیل می‌کند. نمونه‌های دیگر کودک‌آزاری در حوزه اقتصادی، کودکان بازمانده از تحصیل و ازدواج در سنین پایین است (کودک همسری) که هر دو به سلامت جسمی و روانی کودک آسیب می‌رساند. همچنین بازماندن از تحصیل به دلایل اقتصادی، یعنی در نظر گرفتن آموزش به عنوان یک کالا و نه یک حق اساسی؛ به عبارت دیگر آموزش از این دیدگاه کالایی است که کودکان محروم نمی‌توانند از آن بهره‌مند شوند.

از منظر قضایی نیز می‌توان پی‌برد که، افتراقی نشدن دادرسی‌های کیفری در خصوص اطفال و نوجوانان بزه‌کار و حتی اطفال و نوجوانان بزه دیده نیز، به یک نوع کودک‌آزاری ساختاری منجر می‌شود (خاطری، ۱۳۹۵، ۲۳). امری که سال‌هاست جهت تفکیک دادرسی بزرگسالان از دادرسی کودکان، در نظام‌های قضایی مختلف تلاش گردیده تا در کلیه فرایندهای دادرسی‌های کیفری، محقق گردد.

در رویکرد جدید حمایتی، مصادیقی از کودک‌آزاری ساختاری در قانون حمایت از اطفال و نوجوانان سال ۱۳۹۹ در ماده ۷ (جرم امتناع از فراهم نمودن وسایل تحصیل و یا جلوگیری از تحصیل) و ماده ۸ (جرم ایجاد موجبات فرار از خانه و مدرسه و ترک تحصیل) و ماده ۱۱ (جرم معامله و خرید و فروش طفل یا نوجوان) و ماده ۱۲ (جرم قاچاق اطفال و نوجوانان) و ماده ۱۳ (جرم قاچاق اعضاء و جوارح طفل یا نوجوان) و ماده ۱۴ (تسهیل و فراهم کردن موجبات خودکشی طفل یا نوجوان) و ماده ۱۵ (بهره‌کشی اقتصادی)، جرم‌انگاری شده است.

علاوه بر آنچه در خصوص کودک‌آزاری در این نوشتار ملاحظه شد، در برخی از فصل‌های مربوط به تعیین جرایم و مجازات‌ها در قانون مجازات اسلامی و یا سایر قوانین خاص دیگر، برخی از رفتارهای

^۱ مطابق بند ۲ ماده ۲۵ اعلامیه جهانی حقوق بشر؛ همه کودکان، اعم از آن که با پیوند زناشویی یا خارج از پیوند زناشویی به دنیا بیایند، می‌بایست از حمایت اجتماعی یکسان برخوردار شوند.

خطرناک علیه کودکان جرم انگاری و یا در مجازات تعیین شده برای آن جرم، نسبت به بزرگسالان، مجازات شدیدتری مقرر شده است. در این خصوص می‌توان به ماده ۶۱۹ در مورد مزاحمت برای اطفال در معابر و یا ماده ۵۹۶ در خصوص سوءاستفاده از ضعف نفسی کودکان و یا تشدید مجازات در جرم آدم ربایی در ماده ۶۲۱ همگی از قانون تعزیرات سال ۱۳۷۵ و یا رها کردن کودک در جایی که قادر به محافظت از خود نیست، در ماده ۶۳۳ قانون مذکور، اشاره نمود.

نتیجه‌گیری و پیشنهاد

پدیده کودک آزاری به اشکال مختلفی صورت می‌گیرد که از جمله آنها می‌توان به کودک‌آزاری جسمی، کودک‌آزاری روحی و کودک‌آزاری جنسی و کودک‌آزاری ناشی از غفلت و کودک‌آزاری ساختاری، اشاره کرد. یکی از شاخصه‌های مهم رعایت حقوق بشر و ارتقاء جایگاه امنیت اجتماعی یک جامعه، پایین بودن آمار کودک‌آزاری است. کودک‌آزاری اگر همراه با خشونت باشد و کودک مورد ضرب و جرح قرار گیرد، و یا اگر کودک قربانی آزاری‌های روانی باشد، عزت نفس کودک از بین خواهد رفت. کودک‌آزاری به هر روشی که باشد، مستلزم جرم انگاری و فرد خاطی مستحق تنبیه و مجازات است.

صریح‌ترین قانونی که در تقابل با پدیده کودک‌آزاری جسمی و روانی در ایران به تصویب رسید، قانون حمایت از کودکان و نوجوانان مصوب سال ۱۳۸۱ بود. این قانون به تبعیت از اسناد بین‌المللی، در برگرفته حمایت از کودکان زیر ۱۸ سال بود. در قوانین دیگری نیز به صورت جسته و گریخته و به مناسبت‌هایی، به مسائل کودک‌آزاری پرداخته شده و در صدد حمایت از کودک بر آمده است. با تصویب قانون حمایت از کودکان و نوجوانان در سال ۱۳۹۹ به طور صریح، قانون سال ۱۳۸۱ منسوخ شد و در قانون جدید اگرچه به موضوعات کودک‌آزاری جنسی و کودک‌آزاری ناشی از غفلت و بی‌توجهی پرداخت، لکن با سکوت در مباحث جرم‌نگاری کودک‌آزاری جسمی و کودک‌آزاری روانی، واضح‌ترین نقص و کاستی در زمینه قانون حمایت از کودکان و نوجوانان راه، رقم زد. این نقصان تاکنون برای بسیاری از فعالین حوزه حمایت از کودکان تبیین نشده است. بسیاری از سازمان‌ها و نهادها به این نقصان قانونی پی نبرده‌اند اما این چالش بیش از همه، در دادگاه‌های کیفری و دادگاه‌هایی که پرونده‌های مربوط به کودک‌آزاری در آن‌ها مطرح می‌شود، نمایان است.

همان‌طور که مشاهده شد، قوانین موجود در مقابل معصومیت کودکان و بی‌دفاعی آنها، بسیار ناقص بوده و نیاز به اصلاح و تصویب قوانین جدید با مجازات‌های متناسب و بازدارنده است. قوانین کارشناسی شده، مانع رسیدن آسیب‌های جسمی و روانی به سازندگان فردای جامعه شود. تأثیرات کودک‌آزاری به حدی گسترده و قابل تأمل است که، جامعه‌شناسان و قانونگذاران می‌بایست با وسواس بیشتری به آن بپردازند. پیشنهاد می‌گردد که، برای رفع این نقصان نمایان، اصلاحات لازم در قالب طرح یا لایحه تقدیم مجلس قانونگذاری شده تا به زودی مرتفع گردد. هر چند به نظر صحیح آن بود که، در همان مواد عمومی

قانون مجازات اسلامی و یا در ذیل هر فصل از جرائم خاص، با تعیین مجازات برای جنبه عمومی صدمات بدنی اعم از عمدی و غیرعمدی، قید می‌شود، چنانچه مجنی علیه یا بزه‌دیده این جرایم، فرد کمتر از ۱۸ سال باشد، دادگاه بتواند (به اجبار یا به اختیار) به میزان یک تا دو درجه، مجازات مرتکب را تشدید نماید.

منابع

- [۱] ابروآنیان، امیر و غیره، کودک‌آزاری: از علت‌شناسی تا پاسخ‌دهی، تهران، نشر خرسندی، چاپ دوم، ۱۳۹۲.
- [۲] دانش، تاج‌زمان، دادرسی اطفال بزهکار در حقوق تطبیقی، تهران، نشر میزان، چاپ اول، ۱۳۷۸.
- [۳] آبروشن، هوشنگ، کودک‌آزاری و کنوانسیون حقوق کودک، تهران، نشر آثار اندیشه، چاپ دوم، ۱۳۷۸.
- [۴] خاطری، برهان، فرایند دادرسی اطفال و نوجوانان بزهکار در رویکرد جدید قانونگذاری، نشر خرسندی، چاپ اول، ۱۳۹۵.
- [5] Child physical abuse and Neglect, by, Jody E. Warner-Rogers and David J. Hansen and Debra B Hecht, April 1999.
- [6] Child Abuse and Neglect, by, Priyanka Razdan, Patthi Basavaraj, Chanchal Singh, June 2017
- [7] Child abuse; overview and evaluatin, by: American Academy of Pediatrics, February 2019.
- [8] annual report unicef 2019 and 2020, section child abuse.



Pathology of child abuse and legislative forgetfulness in criminalization the most obvious forms in the new legislative approach

Borhan Khateri^{*}

Nasrin Mehra^{**}

Mohammadali Mahdavi Sabet^{***}

Nourooz Karegari^{****}

Abstract

Child abuse is a behavior and situation in which a child becomes a victim of torture and physical, emotional, sexual, emotional, neglectful, and sometimes structural abuse. The World Health Organization considers the issue of child abuse to be significant in four areas; Physical child abuse, sexual child abuse, emotional child abuse, and neglect. The first anti-child abuse law in Iran was approved in 2002 in order to implement international documents and to respond to the call of organizations and institutions supporting child rights and to create a deterrent against the phenomenon of child abuse. With the discovery of the shortcomings of the law and after about two decades, this brief law in 1399 was completely repealed and replaced by another new law. Despite the fact that the Iranian legislature in 2002, according to the Law on the Protection of Children and Adolescents, in particular, considered physical abuse of children in addition to emotional and psychological abuse, criminalized and punishable, in recent amendments, despite compensating for some shortcomings of the previous law And address issues such as child sexual abuse and child abuse due to neglect; But in general, the most obvious form of child abuse, namely physical child abuse and mental child abuse, has been forgotten, and this important issue has been removed from the examples and scope of child abuse criminalization in Iranian law in complete disbelief and completely ignored by the legislature.

Key Words

Child abuse, child physical abuse, child psychological abuse, Child and Adolescent Protection Law of 1399.

^{*} Doctoral student of Criminal Law and Criminology, Faculty of Law, Theology and Political* Sciences, Islamic Azad University, Science and Research Unit, Tehran, Iran, borhan57law@yahoo.com

^{**} Assistant Professor, Department of Criminal Law and Criminology, Faculty of Law, Shahid Beheshti University, Tehran, Iran, (corresponding author): docnas@mail.com

^{***} Assistant Professor, Department of Criminal Law and Criminology, Faculty of Law, Theology and Political Sciences, Islamic Azad University, Science and Research Unit, Tehran, Iran, ali@mahdavi.fr

^{****} Assistant Professor, Department of Criminal Law and Criminology, Faculty of Law, Theology and Political Sciences, Islamic Azad University, Science and Research Unit, Tehran, Iran, Nouroozk@gmail.com